

اشاره:

از جمله مسائلی که رهبر معظم انقلاب درباره انتخابات مطرح کرده‌اند، افزایش مشارکت سیاسی است. برخی مینا را بر این قرار داده‌اند که با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر افزایش مشارکت در انتخابات، فقاقت و نظارت را زیر سؤال ببرند و از شورای نگهبان بخواهند که در احراز صلاحیت‌ها قدری کوتاه بیاید تا از این طریق، مشارکت افزایش یابد! معنی دیگر این حرف این است که حضور افراد ناباب و فاسد هم می‌تواند مشارکت ایجاد کند! اما برای فهم بهتر مسأله لازم است تا قدری بیشتر بر روی موضوع مشارکت تمرکز کنیم. مشارکت در سه سطح مطرح می‌شود: سطح حکومتی، مردمی و نخبگان و احزاب. سطح حکومت نقش زمینه سازی داشته، سطح مردم نقش رأی دهنده‌گی و سطح نخبگان و احزاب، نقش پذیرش مسؤلیت و رسیدن به قدرت را دارد. بنابراین باید سهم هر یک از این سه دسته، در افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی بررسی شود. کسانی که عموماً با در دست داشتن رسانه، حکومت یا مردم را محکوم می‌کنند و اینها را عامل کاهش مشارکت معرفی میکنند، بی‌بصیرت هستند.

# چه کسانی می‌خواهند مردم نباشند؟!

## تحلیلی کوتاه بر عوامل کاهش مشارکت سیاسی

علی خضریان

روابط خود با حکومت» است؛ این مسأله یک ویژگی عمومی برای تمامی احزاب دنیاست چراکه خواستار باقی ماندن در رأس قدرت هستند. کار ویژه دیگر نخبگان و احزاب، «میانجی‌گری بین مردم و حکومت» است. متأسفانه احزاب و نخبگان داخل ایران، همیشه حکومت را متهم می‌کنند و خوانشی رادیکال از مردم نسبت به حکومت، و از حکومت نسبت به مردم ارائه می‌دهند. یعنی بدگویی حکومت نزد مردم، و بدگویی مردم را نزد حکومت می‌کنند! در نتیجه مشارکت کاهش پیدا می‌کند. این همه هیئات، مساجد، نماز جمعه، اربعین، عید غدیر و... را نادیده گرفته و از مردم نزد حاکمان بدگویی می‌کنند. در نتیجه اعتماد حکومت را از مردم سلب می‌کنند. وظیفه ویژه مسئولین در ازای قدرتی که از حکومت دریافت می‌کنند،

### مسئولیت پذیری و مشارکت سیاسی

از مهمترین شاخصه‌های مشارکت، مسؤلیت‌پذیری است. هم برای کسانی که خودشان مسؤلیتی را عهده‌دار هستند و یا افرادی را برای مسؤلیت‌پذیری معرفی می‌کنند، که ما در این بخش با وضعیت بدکار کردی، کج کار کردی، کم کار کردی یا بی‌کار کردی مواجه هستیم. از عوامل افت مشارکت مردمی می‌توان به کم کارکرد بودن یا بی‌کارکرد بودن مسئولین اشاره کرد. کلید مشارکت، اعتماد عمومی است. عدم مسؤلیت‌پذیری این اعتماد را از بین برده و زیر سؤال می‌برد.

### وظایف احزاب و نخبگان

از جمله وظایف نخبگان و احزاب که باید مورد توجه قرار گیرد، «بازسازی

بازسازی اعتماد مردم و حکومت نسبت به یکدیگر است؛ نمی‌شود در قدرت بود و بر علیه قدرت عمل کرد! نمی‌شود در چارچوب قانون نماینده مجلس شد و بر علیه قانون عمل کرد و شورای نگهبان را متهم به کاهش مشارکت کرد.

اصلاً مشارکت به این موضوع ارتباط مستقیم ندارد، شاهد مثال این موضوع، مشارکت پایین مردم در انتخابات شورای شهر در زمان دولت اصلاحات بود با توجه به اینکه احراز صلاحیت‌ها با مجلس ششم و سردمداران دولت اصلاحات بود و آن طور که مطابق میلشان بود، مدیریت و چینش کردند و حتی افرادی از نهضت آزادی با رادیکال‌ترین شعارها نیز در آن دوره شرکت کردند اما با این حال، پایین‌ترین رقم مشارکت سیاسی در تاریخ انقلاب رقم خورد! بنابراین احراز صلاحیت نامزدها ارتباط مستقیمی با مشارکت سیاسی ندارد. مردم به عملکردها نگاه می‌کنند نه شعارها.

#### نفی سیاست ورزی رفاقتی

از جمله دیگر مواردی که مشارکت را افزایش می‌دهد و متأسفانه گروه‌های پر مدعا به آن توجه نمی‌کنند، تلاش جمعی برای نفی سیاست ورزی رفاقتی و فامیلی است. متأسفانه نخبگان و احزاب به این بیماری دچار شده‌اند و پاسخگوی مردم نمی‌باشند که فرایند گزینش نخبگان در احزاب به چه صورت است؟ مردم نمی‌دانند این لیست قم و تهران و اصفهان و... چطور و بر چه مبنایی گزینش شده‌است؟ وقتی مردم نمی‌دانند مرامنامه شایستگی چیست و شاخص‌ها کدام است، چرا باید مشارکت کنند و اینها را انتخاب کنند؟

حتی در مرتبه بالاتر و در کابینه و بدنه دولت، مردم نمی‌دانند این فرد چگونه وزیر یا معاون وزیر شده است؟ چرا مردم نباید بدانند؟ این توزیع مناصب و منافع را می‌بینند در حالی که انقلاب، انقلاب پابرهنگان بوده ولی پابرهنگان هیچگاه نقشی در مناصب نداشته‌اند. حال چرا باید پای صندوق رای بروند؟ آیا این مشکل حکومت است یا مشکل نخبگان که قدرت را در اختیار داشته‌اند؟ چرا باید فردی که کارشناس یک وزارتخانه است، به دلیل خویشاوندی با وزیر دیگری، به وزارت برسد؟

روش رهبری معظم انقلاب نسبت به خویشاوندان و نزدیکان خود در پذیرش مسئولیت‌ها در چهار دهه گذشته چگونه بوده است؟ آیا آنها را نهی نکردند که در امور سیاسی و اقتصادی ورود نکنند؟ آنها که داعیه انقلابی‌گری دارند چرا این مشی را در پیش نمی‌گیرند؟ بنابراین راهکار، اصلاح چرخه گردش نخبگان است. اگر طرفین در لیبیک به امام جامعه در مشارکت سیاسی صادق هستند، باید چرخه نخبگانی را اصلاح کنند. به جای اینکه به حکومت و مردم اتهام بزنند، باید سر خود را پایین گرفته و به نخبگانی و احزاب خود نگریده و ببینند آیا نزد مردم خریداری دارد؟

#### فعال شدن روندهای غیر مردم‌سالار علیه مردم‌سالار

فعال شدن روندهای غیر مردم‌سالار علیه مردم‌سالار از جمله مواردی است که به مشارکت سیاسی آسیب می‌زند. برخی سیاست‌پدرخواندگی را به جای سیاست حزبی و تشکیلاتی دنبال می‌کنند. ما از سال ۱۳۸۴

به بعد از منظر جامعه‌شناسی سیاسی ایران از دوگانه‌های چپ و راست و یا اصلاح طلب و اصولگرا در جامعه گذر کردیم یعنی اگر در آغاز انقلاب منازعات سیاسی بین خط امامی و مقابل آن شکل می‌گرفت، محور آن بحث قانون اساسی و نحوه مدیریت کشور و... بود و بعد از آن با حذف نیروهای مقابل خط امام از قدرت که به سمت کارهای تروریستی رفتند و مقابل شریعت ایستادند، دیگر با دوگانه چپ و راست رو به رو نبودیم و دهه هشتاد از آن عبور کردیم. در انتخابات سال ۸۴ هر دو گروه سیاسی اصولگرا و اصلاح طلبی، به نامزدهای نزدیک خود، تلاش کردند به یک نامزد واحد برسند.

اما امروزه الان سیاست‌پدرخواندگی به جای کار حزبی و تشکیلاتی همچنان گروه‌های سیاسی دچار بیماری مانند در گذشته هستند و در دوگانگی اصلاح طلب و اصولگرا بازی می‌کنند. وقتی نمی‌توانیم جامعه متکثر را با احزاب و تشکیلات متعدد نمایندگی کنیم تا پای صندوق رأی بیایند، درواقع داریم شریاطی را فراهم می‌کنیم که اصلاً عده‌ای در انتخابات شرکت نکنند! می‌توان اینگونه مثال زد، بازی آبی و قرمز راه انداخته‌اید در حالیکه اصلاً این دو تیم طرفدار ندارند.

آیا امروز گروه سیاسی پیروز انتخابات مجلس یازدهم، درباره عملکرد نامزدها پاسخگوست؟ آیا بررسی شده است که از میان این نمایندگان مجلس چه کسانی چه عملکردی داشته‌اند. بنابراین مسأله مشارکت منحصر در شورای نگهبان و احراز صلاحیت نبوده و یکی از مهم‌ترین وظایف، پاسخگو بودن در قبال کارها و مسئولیت خود می‌باشد که یکی از ویژگی‌ها و اصول مردم‌سالاری است. با این وجود چرا نخبگان و احزاب پاسخگو نمی‌باشند و همه مشکلات را بر سر حکومت می‌شکنند!

#### لزوم آگاهی بخشی سیاسی به جامعه

از عوامل دیگر در کاهش مشارکت سیاسی می‌توان به وجود آگاهی کاذب در جامعه سیاسی اشاره کرد. یعنی احزاب و نخبگان، عین سوت زن رفتار می‌کنند. آنجا که بخواهند ولو به دروغ برجسته می‌کنند و آنجا که بخواهند نادیده می‌گیرند. آگاهی بخشی سیاسی را در طول سال انجام نمی‌دهند و بعد انتظار دارند شب انتخابات، مشارکت سیاسی بالا برود! آگاهی بخشی سیاسی بدین معناست که احزاب باید اهداف و شیوه عمل خود را به جامعه نشان دهند اما متأسفانه به‌جای ایفای وظیفه خود و آگاهی‌بخشی درصد تخریب دیگران برمی‌آیند.

می‌توان گفت که احزاب به دو گونه رفتار می‌کنند؛ یا مصالح عمومی را مدنظر قرار داده و در مقابل عده قلیل دیکتاتور می‌ایستند و مصالح حزبی آنان را کنار می‌زنند و یا اینکه به دنبال رضایت طبقه خاصی، منافع عمومی را نادیده گرفته و فدا می‌کنند که نمونه‌های بسیاری از این پایمال کردن حقوق و منافع عمومی مردم را داشته‌ایم. بنابراین چندی از عوامل کاهش شرکت در انتخابات را ذکر کردیم و بیان شد وظیفه شورای نگهبان مبنی بر احراز صلاحیت ارتباط مستقیم به مشارکت و میزان آن نداشته و ادعای مشارکت بالا با کوتاه آمدن شورای نگهبان و عدم در نظر گرفتن مصلحت جامعه، توهمی بیش نبوده و استناد این ادعا به حرف رهبری معظم انقلاب، کاملاً اشتباه است.

